



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

امام حسین* علیه السلام

درس خان یاران

محمد امینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسین (ع) در سخنان یاران

نویسنده:

محمد امینی

ناشر چاپی:

محمد امینی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	امام حسین(ع) در سخنان یاران
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۱۰	امام حسین در سخنان یاران بنی هاشمی
۱۰	ابوالفضل العباس
۱۰	اشاره
۱۰	حسین را تنها نمی‌گذارم
۱۰	حسین تشنه است آب نمی‌نوشم
۱۱	جانم فدای حسین
۱۱	فرزندان عقیل
۱۱	امام حسین در سخنان شهدای پیش از عاشورا
۱۱	قیس بن مسهر صیداوی
۱۱	اشاره
۱۱	به حسین لبیک گوید
۱۲	امام حسین در سخنان سایر شهدای کربلا
۱۲	بریر بن خضیر
۱۲	اشاره
۱۲	در راه تو قطعه قطعه می‌شویم
۱۲	نافع بن هلال
۱۲	اشاره
۱۲	تو چون پیغمبر و علی هستی
۱۲	مادر به عزایم بنشیند

۱۳	حبيب بن مظاهر
۱۳	اشاره
۱۳	حسين را يارى كنيد
۱۳	كدام نماز مقبول است
۱۳	به كجا مى‌روى
۱۴	با دشمنان مى‌جنگيم
۱۴	زهير بن قين
۱۴	توفيق يارى
۱۴	خوشحالى درك محضر حسين
۱۴	زندگى جاويد يا جنگ در ركاب حسين
۱۵	رعايت حق خدا و پيامبر
۱۵	شفاعت رسول خدا
۱۵	مسلم بن عوسجه
۱۵	اشاره
۱۵	اگر هفتاد بار كشته شوم
۱۵	محمد بن بشير
۱۵	از تو جدا نمى‌شوم
۱۶	عبدالله بن عمير
۱۶	اشاره
۱۶	جهاد با اهل شرك
۱۶	سيف بن حرث بن سريع بن جابر همدانى جابري و مالك بن عبدالله بن سريع بن جابر همدانى جابري
۱۶	گريه بر تنهائى حسين
۱۶	عمرو بن قرظۀ بن كعب انصارى
۱۶	اشاره

۱۶	جان و مالم فدای حسین
۱۷	عابس بن ابی شیب
۱۷	اشاره
۱۷	وقت آن آمد که من عریان شوم
۱۷	جون بن ابن مالک
۱۷	آبرویم از آبروی توست یا حسین
۱۷	سعید بن عبدالله حنفی
۱۷	اگر هفتاد بار کشته شوم
۱۸	امام حسین در سخنان توبه کنندگان از اصحاب
۱۸	حر بن یزید ریاحی
۱۸	حسین مقتدای حر
۱۸	حرمت زهراء
۱۸	به درگاه خدا توبه می‌کنم
۱۸	حسین را تنها گذاشتید
۱۹	حر میزبان حسین است
۱۹	ابوالشعثاء کندی
۱۹	من یاور حسینم
۱۹	امام حسین در سخنان یارانی که به شهادت نرسیدند
۱۹	طرماع بن عدی
۱۹	اشاره
۱۹	خاندان پر افتخار
۱۹	یزید بن مسعود
۱۹	اشاره
۲۰	شما حجت خدا هستید

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۰

امام حسین(ع) در سخنان یاران

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد امینی

ناشر: محمد امینی

تعداد صفحات: ۲۴

حجم کتاب: ۳۳۶ کیلوبایت

مقدمه

قلم در بیان عظمت احیاگر بزرگ اسلام ناب محمدی (ص) مفسّر عظیم الشان ولایت و امامت رهبر فرزانه سرور آزادگان گیتی اسوه بی نظیر فداکاری شهید آگاه چراغ فروزان هدایت کشتی نجات امت حضرت سید الشهداء امام حسین (ع)، عاجز و ناتوان است آری چه می‌توان نوشت در عظمت شخصیتی که همه عالمان متعهد و صاحب نظران منصف از عمق جان بر این باورند که حسین حقیقتی است بزرگ که تمام مردم گیتی در برابر عظمت روح و علو همت او سر تسلیم فرود آورده و خضوع کرده‌اند. کدامین عبارت را در وصف آن جان جانان بکار گیریم که گویاتر از «مصباح الهدی»، «سفینه النجاة» و «سیدی شباب أهل الجنة» باشد که جد بزرگوارش منجی بشریت و سرور کائنات با آن عبارات او را ستوده است و کدامین کلمات و جملات می‌توانند حق او را ادا کنند در حالی که خدایش در قرآن کریم در آیه مباهله او را «فرزند پیامبر» و در آیه تطهیر «جزء پاک‌ترین پاکان و در سوره فجر «نفس مطمئنه» اش خوانده است آری از تصور عظمت حضرت ثار الله عاجزیم و قلم قاصرمان از ادای حق عظیم حضرت حسین بن علی (ع) ناتوان است ولی افرادی وجود دارند که از هر جهت به آن حضرت نزدیک‌تر بوده‌اند و حتی آن چنان مجذوب شخصیت او شده‌اند که در فداکردن جان خود در راه او سر از پا نمی‌شناختند و در رفتن به سوی میدان مبارزه و شهادت بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و شهادت در رکاب او را نهایت آمال و آرزوی خود می‌دانستند. ظهر روز عاشورا وقتی امام حسین (ع) از نماز فارغ شد در سخنان کوتاهی یاران خود را به بهشت بشارت داد و فرمود: «این پیامبر خداست و اینان شهدایی که در راه خدا کشته شده‌اند، منتظر قدم شمايند، و شما را به بهشت بشارت می‌دهند...» اصحاب به امام عرض کردند: جان‌های ما فدای تو باد و خون‌های ما نگاهدارنده خون تو، به خدا سوگند مادامی که از ما کسی زنده باشد، هیچ گزندی به تو و حرم تو نمی‌رسد. ابن عماره از پدرش نقل می‌کند که از حضرت صادق (ع) سؤال کردم و گفتم از اصحاب امام حسین (ع) و ایثار و فداکاری آنان مرا آگاه کن آن حضرت فرمود: «پرده و حجاب از برابر آنان برداشته شد و منازل خویش را در بهشت مشاهده کردند، بطوری که بر شهادت و کشته شدن شتاب می‌کردند تا با حور معانقه نموده و به سوی جایگاه خود در بهشت بروند». شاعر عرب چه زیبا در وصف آنان سروده است که جادوا بأنفسهم فی حب سیدهم والوجود بالنفس أقصى غایة الجود السابقون الی المکارم والعلی والحائزون غداً حیاض الکوثر لولا صوارمهم ووقع نبالهم لم تسمع الاذان صوت مکبر آنان امام حسین (ع) را فراتر از سخن و بیان دانسته و پیش از آنکه با زبان در وصف آن وجود مبارک سخنی بگویند، با عمل خود به وصف او پرداخته و او را شایسته آن دانسته‌اند که جان خود را در راه او فدا سازند. و با این کار خود حتی دشمنان را به تعجب واداشته‌اند! ابن ابی الحدید معتزلی گوید: به یکی از کسانی که در سپاه کوفه حضور داشت گفته شد: وای بر تو! چرا فرزند پیغمبر را کشتی! آن مرد گفت دهانت خرد باد! تو اگر می‌دیدی آنچه که ما در کربلا دیدیم تو هم همین کار را می‌کردی آنها دست به قبضه شمشیر می‌بردند و مانند شیران غرنده به ما حمله می‌کردند و خود را در دهان مرگ می‌انداختند! امان قبول نمی‌کردند، رغبتی به مال و منال دنیا نداشتند! هیچ چیزی نمی‌توانست در میان ایشان و مرگ فاصله بیندازد.

اگر با آنها نمی‌جنگیدیم همه ما را از دم شمشیر می‌گذرانیدند، چگونه می‌توانستیم از جنگ کردن با آنها خودداری کنیم! هر چند او احمقانه گناه نابخشودنی خود را توجیه می‌کند ولی در واقع اعترافی است به شجاعت و بزرگواری و پایداری یاران امام (ع). ولی متأسفانه تاریخ نتوانسته است سخنان این راد مردان را در حق امام و مقتدای خود به طور کامل به ثبت برساند و حتی برخی از آنان تنها نامشان در لیست شهدای کربلا باقی مانده است و اثری از ابراز احساسات آنان نیست ولی همان تعداد اندک که نظراتشان به بهانه‌های مختلف پیرامون حسین بن علی (ع) بیان شده است می‌تواند گویای جلوه‌هایی از شخصیت آن حضرت باشد و ما در این مقاله بر آن هستیم که شخصیت با عظمت آن حضرت را از دیدگاه نزدیکترین یارانش مورد بررسی قرار دهیم و امیدواریم نزد مولی و مقتدایمان حسین (ع) مقبول واقع گردد.

امام حسین در سخنان یاران بنی هاشمی

ابوالفضل العباس

اشاره

او اولین فرزند علی (ع) از ام البنین است علی (ع) در مورد علت ازدواج خود با مادر ابوالفضل (ع) می‌فرماید: «فتلد لی غلاماً فارساً یکون عوناً لولدی الحسین فی کربلا به خاطر این که برایم پسر شجاعی به دنیا آورد تا در کربلا یاور فرزندم حسین باشد». و صاحب «تنقیح المقال در مورد آن حضرت می‌گوید: «وکان شجاعاً فارساً وسیماً جسیماً یرکب الفرس المطهّم و رجلاه تخطان الارض آن حضرت شجاع اسب سوار، خوش سیما، تنومند بود، درحالی که براسب سوار می‌شد پاهایش بر زمین کشیده می‌شد...» متأسفانه سخنان این راد مرد بزرگ تاریخ در حق مولا- و مقتدا و برادرش حسین به طور کامل به ثبت نرسیده است مگر سخنانی که در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز از آن حضرت نقل شده است

حسین را تنها نمی‌گذارم

یکی از آن مواقع حساس وقتی است که شمر از هم طائفه‌گی خود با ام البنین سوء استفاده کرد و خواست با دادن امان نامه عبیدالله به فرزندان ام البنین بر زخم دل عزیززها نمک بپاشد ولی این جا عباس غیرت و مردانگی خود را به نمایش گذاشت و نه تنها از امان نامه او خوشحال نشد، که حتی از او خشمگین شد و فرمود: «تبت یداک ولعن ماجئتنا به من امانک یا عدو الله أتأمرنا أن نترک أختانا وسیدنا الحسین بن فاطمة و ندخل فی طاعة اللعناء و أولاد اللعناء؟! دستانت بریده باد و لعنت بران امانی که برای ما آورده‌ای ای دشمن خدا! به ما پیشنهاد می‌کنی که برادر و آقای خود حسین فرزند فاطمه (س) را رها کنیم و در تحت فرمان ملعونین و فرزندان ملعونین درائیم» و یکی دیگر از حساس‌ترین لحظاتی که عباس با سخنان خود بر قوت دل برادرش حسین افزود، شب عاشورا بود که بعد از خطبه ابی عبدالله (ع) به نمایندگی از اهل بیت امام را مخاطب ساخت و عرض کرد: «هرگز تو را ترک نخواهیم کرد. آیا پس از تو زنده بمانیم خداوند هرگز چنین روزی را نیاورد»

حسین تشنه است آب نمی‌نوشم

یکی دیگر از فرازهای تاریخ که بیانگر ارادت صمیمانه و وفای ابوالفضل (ع) نسبت به برادرش حسین (ع) است آن لحظه‌ای است که عباس تنهائی برادرش را مشاهده کرد نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: آیا مرا رخصت می‌دهی تا به میدان بروم امام (ع) گریه شدیدی کرد و فرمود: «ای برادر تو صاحب پرچم و علمدار من هستی عباس گفت ای برادر! سینه‌ام تنگ و از زندگی خسته شده‌ام

و می‌خواهم از این منافقان خونخواهی کنم امام (ع) فرمود: برای این کودکانم کمی آب تهیه کن. عباس (ع) وقتی به شریعه فرات رسید، یاد عطش حسین و اهل بیتش او را از نوشیدن آب بازداشت و ابیاتی را سرود که در آن ابیات زندگی بعد از امام حسین (ع) را خواری و ذلت می‌داند و می‌گوید: یا نفس من بعد الحسین هونی وبعده لا کنت أن تكونی هذا الحسین شارب المنون وتشرین بارد المعین

جانم فدای حسین

و در رجزهایی که هنگام پیکار سروده است ضمن اینکه حسین (ع) را با عناوین «جان مصطفی و «امام صادق یقین و «نجل النبی ستوده است شهادت در رکاب آن حضرت را افتخار می‌داند و دشمنان خود را تهدید به آتش سوزان جهنم می‌کند و می‌فرماید: لا أرب الموت اذ الموت رقی حتی أوارى فی المصالیق لقانفسی لنفس المصطفی الطهر وقا انی أنا العباس أعدو بالسقاولا أخاف الشر یوم الملتقی و بعد از قطع دست راستش مشک را به دست چپ گرفت و فرمود: والله ان قطعتم یمینی اءنّی احامی أبداً عن دینی وعن امام صادق یقین نجل النبی الطاهر الامین و بعد از قطع دست چپ پرچم را به سینه چسباند و فرمود: یا نفس لا تخشی من الکفار وأبشری برحمه الجبار مع النبی السید المختار قد قطعوا ببغیهم یساری فأصلهم یارب حرّ النار

فرزندان عقیل

اینان فرزندان و نوادگان عقیل بن ابی طالب هستند که عبارتند از: «عبدالله بن مسلم بن عقیل و «محمد بن مسلم بن عقیل و «محمد بن ابی سعید بن عقیل و «عبدالرحمن بن عقیل و «جعفر بن عقیل. آنچه از سخنان این یاران نزدیک و وفادار حسین (ع) به ما رسیده سخنی است که در شب عاشورا بیان داشته‌اند، امام (ع) بعد از خطبه و اظهار وفاداری اصحاب در شب عاشورا روی به فرزندان عقیل نمود و فرمود: «شما را کشته شدن مسلم کافی است بروید که من شما را رخصت دادم آنها گفتند: سبحان الله مردم چه می‌گویند؟! می‌گویند ما بزرگ و سالار خود و عمو زادگان خود که بهترین مردم بودند در دست دشمن رها کردیم و با آنها تیری به طرف دشمن رها نکردیم و نیزه و شمشیری علیه دشمن به کار نبردیم! نه به خدا سوگند چنین نکنیم بلکه خود و اموال خود را فدای توسازیم و در کنار تو بجنگیم و هر جا که روی کنی با تو باشیم ننگ بادبر زندگی پس از تو».

امام حسین در سخنان شهدای پیش از عاشورا

قیس بن مسهر صیداوی

اشاره

قیس بن مسهر که حامل نامه امام (ع) در منزل بطن الرمه به سوی مردم کوفه بود به خاطر دستگیری مجبور به پاره کردن نامه امام (ع) شد و پس از دستگیری ابن زیاد او را مجبور کرد که برای سب حسین و پدر و برادرش بر بالای منبر رود.

به حسین لبیک گوید

او پیشنهاد عبیدالله را پذیرفت و در مسجد اعظم کوفه و در جمع مردم کوفه- که به دعوت عبیدالله و برای شنیدن سخنان قیس گرد آمده بودند- بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی و درود بر رسول خدا و رحمت بر علی و فرزندان و لعن و نفرین بر عبیدالله و پدرش و سردمداران او به معرفی حسین بن علی پرداخت و گفت «ای مردم حسین بن علی بهترین خلق خدا و فرزند فاطمه

دختر رسول خداست و من فرستاده او به سوی شما هستم من در یکی از منازل بین راه از او جدا شده و نزد شما آمدم تا پیام او را برسانم به ندای او لبیک گوید». او بعد از این قضیه به دستور عیدالله از بالای قصر دارالاماره به زیر افکنده شد و به شهادت رسید و با رسیدن خبر شهادت او به امام حسین (ع) اشک از دیدگان مبارکش جاری شد و محزون گردید.

امام حسین در سخنان سایر شهدای کربلا

بریر بن خضیر

اشاره

بریر بن خضیر از اصحاب امیر المؤمنین (ع) و از شیوخ قراء در مسجد جامع کوفه و از تابعین بوده است

در راه تو قطعه قطعه می‌شویم

او در شب عاشورا از جمله افرادی بود که با اظهارات خود بر حقانیت حسین (ع) تأکید داشت و پس از خطبه ان حضرت گفت «یا بن رسول الله! خدا به وسیله تو بر ما منت نهاد که ما در رکاب تو جهاد کنیم و بدن مادر راه تو قطعه قطعه شود و جدّ بزرگوارت رسول خدا (ص) در روز قیامت شفیع ما باشد».

نافع بن هلال

اشاره

او آقا و شریف در میان قوم خود، قاری قرآن از حاملان حدیث و از یاران علی (ع) بود که در هر سه جنگش در عراق همراه ان حضرت شمشیر زده بود.

تو چون پیغمبر و علی هستی

او در شب عاشورا سخنانی بر زبان جاری کرد و با مقایسه وضعیت زمان پیامبر (ص) و علی (ع) با زمان امام حسین (ع) بر دشمنی با دشمنان اهل بیت (ع) تأکید کرد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! تو می‌دانی که جدّت پیامبر خدا هم نتوانست محبت خود را در دل‌های همه جای دهد و چنانچه می‌خواست همه فرمان‌پذیر او نشدند، زیرا که در میان مردم منافقانی بودند که نوید یاری می‌دادند ولی در دل نیت بی وفایی داشتند؛ این گروه در پیش روی از عسل شیرین‌تر و در پشت سر از حنظل تلخ‌تر بودند! تا خدای متعال او را به جوار رحمت خود برد؛ و پدرت علی (ع) نیز چنین بود، گروهی به یاری او برخاستند و او با ناکثین و قاسطین و مارقین قتال کرد اما مدت او نیز به سر آمد و به جوار رحمت حق شتافت و تو امروز نزد ما بر همان حالی هر کس پیمان شکست و بیعت از گردن خود برداشت زیانکار است و خدا تو را از او بی‌نیاز می‌گرداند، با ما به هر طرف که می‌خواهی به سوی مغرب و یا مشرق روانه شو به خدا سوگند که ما از قضای الهی نمی‌هراسیم و لقای پروردگار را ناخوش نمی‌داریم و ما از روی نیت و بصیرت هر که را با تو دوستی ورزد، دوست داریم و هر که با تو دشمنی کند، دشمن داریم .

مادر به عزایم بنشیند

و باز در شب عاشورا - بعد از جلسه اصحاب - هنگامی که حسین (ع) موقعیت لشکر خود و دشمن را مورد بررسی قرار می‌داد، نافع با آن حضرت برخورد کرد، آن حضرت فرمود: «در این تاریکی شب از این راه برو و خود را نجات بده نافع خود را بر قدم‌های امام انداخت و گفت مادرم در سوگم بگرید اگر چنین کنم خدا بر من منت نهاد که در جوار تو شهید شوم. او در روز عاشورا نیز ضمن این که جان خود را در رکاب حسین (ع) فدا می‌کند افتخارش این است که بر دین حسین بن علی (ع) از دنیا می‌رود و می‌گوید: ان تنکرونی فأنا ابن الجملی دینی علی دین حسین بن علی

حبيب بن مظاهر

اشاره

حبيب بن مظاهر - یا مظهر - از بزرگان شیعه و ریش سفیدان معروف کوفه و از اصحاب پیامبر و علی (ع) بود که از آنان نقل روایت نموده است و نیز از اصحاب امام حسن مجتبی و امام حسین (ع) بود و مدال پر افتخار «یرحمک الله یا حبيب لقد کنت تختم القرآن فی لیلۃ واحده و انت فاضل از امام حسین (ع) نصیب او شد. او از شیعیانی است که به همراه سلیمان بن صرد و دیگر شیعیان و سران کوفه به امام حسین (ع) نامه نوشت و از آن حضرت برای حکومت کوفه دعوت به عمل آورد. سخنان حبيب نیز مانند دیگر یاران حسین (ع) در مورد آن وجود مبارک کاملاً ثبت و ضبط نشده است ولی هر آنچه به ما رسیده حاکی از ارادت خالصانه اوست که از چهره معنوی ابی عبدالله الحسین (ع) بیشتر پرده برمی‌دارد.

حسین را یاری کنید

حبيب بعد از آنکه خود را به هر زحمت از کوفه به کربلا رساند و مورد استقبال گرم اهل بیت (ع) قرار گرفت در روز ششم محرم وقتی بی‌وفایی کوفیان را مشاهده کرد از امام (ع) اجازه خواست که طائفه بنی اسد را به استمداد حسین (ع) بطلبد، او با حضور در میان آن طائفه با سخنان خود آنان را بر یاری حسین (ع) تشویق کرد، و در ضمن سخنانش علاوه بر دعوت از مردم حسین (ع) را این گونه معرفی می‌کند: «امروز از من فرمان برید و به یاری او بشتابید تا شرف دنیا و آخرت از آن شما باشد، من به خدا سوگند یاد می‌کنم که اگر یک نفر از شما در راه خدا با پسر دختر پیغمبرش در اینجا کشته گردد و شکیبایی ورزد و امید ثواب از خدای داشته باشد رسول خدا در علین بهشت رفیق و همدم او خواهد بود».

کدام نماز مقبول است

حبيب از آن روز که به یاران امام حسین (ع) پیوست مرتب ملازم امام بود، و با سخنان حکیمانه‌اش اصحاب و یاران امام را جهت دفاع از اسلام و امام ترغیب می‌کرد و در مواقع لزوم در مقابل دشمن قرار می‌گرفت و سخنان ناصواب آنان را حکیمانه پاسخ می‌گفت وقتی حصین بن نمیر در ظهر عاشورا و هنگام اقامه نماز به امام حسین (ع) گفته بود: نماز شما قبول نیست حبيب جلو آمد و در پاسخ او گفت «زعمت لا تقبل الصلاة من آل رسول الله و تقبل منك یا ختار؛ ای فاسد و شرابخوار آیا پنداشتی که نماز اهل بیت رسول الله (ص) قبول نیست و نماز تو قبول است!»

به کجا می‌روی

و نیز وقتی عمر سعد قره بن قیس را برای فرستادن پیامی به محضر امام حسین (ع) فرستاد حبيب بن مظاهر او را شناخت و بعد از

رساندن پیام به نصیحت او پرداخت و گفت «وای بر تو ای قره چه کار می کنی و کجا می روی حسین (ع) را - که خداوند به برکت پدرانش شما را گرامی داشته - یاری نمی کنی و به سوی ستمکاران می روی!» ولی قره گفت من مأمورم پاسخ پیام را به عمر سعد برسانم و بعد تصمیم می گیرم

با دشمنان تن می جنگیم

شب عاشورا وقتی نافع بن هلال اضطراب و پریشانی زینب کبری و اهل بیت امام (ع) را می شنود و به اطلاع حبیب می رساند، حبیب می گوید: «اگر منتظر دستور امام نبودم همین الان به دشمن حمله می کردم؛ آنگاه حبیب یاران را صدا کرد، همگی آمدند و در کنار خیمه های آل البیت فریاد برآوردند که «ای خاندان رسول خدا! این شمشیرهای ماست قسم خورده ایم که آنها را در غلاف نکرده و با دشمن شما مبارزه کنیم و این نیزه های ماست که در سینه دشمن قرار خواهد گرفت. سپس زنان از خیمه ها بیرون آمدند و گفتند: «ایها الطیبون حاموا عن بنات رسول الله وحرائر امیر المؤمنین ای پاکان از دختران رسول خدا و حرمهای امیر المؤمنین (ع) حمایت کنید؛ فضج القوم بالبكاء حتی کان الارض تمید بهم آنگاه صدای یاران چنان به گریه بلند شد که گویا زمین در زیر پای آنان می لرزید».

زهیر بن قین

توفیق یاری

او که ابتدا از طرفداران عثمان بود، در سال قیام امام حسین (ع) در حال بازگشت از حج بود و هنگام فرود آمدن در منازل سعی می کرد در منزلی فرود آید که با حسین (ع) هم منزل نباشد ولی در منزل «زَرُود» حسین (ع) به وسیله فرستاده خود او را به سوی سعادت ابدی فراخواند، او با کمک همسرش برای یاری حسین (ع) توفیق یافت و توفیق خود را این چنین بیان می کند: «من تصمیم گرفته ام که در مصاحبت حسین (ع) باشم و جانم را فدای او کنم و با روحم محافظ او باشم

خوشحالی درک محضر حسین

زهیر بعد از وداع با همسرش این توفیق خود را در ضمن یک پیشگویی بیان می کند و می گوید: «ما در بلنجر جنگ می کردیم و خداوند ما را پیروز کرد، سلمان باهلی (و در روایتی سلمان فارسی، گفت ایام این فتح و پیروزی و گرفتن غنائم خوشحال و مسرورید؟ گفتیم آری گفت زمانی که محضر سید شباب آل محمد (ص) را درک کردید به جنگ نمودن در کنار او و یاری نمودن او و غنائمی که در این مسیر نصیب شما خواهد شد، بیشتر شاد باشید!...».

زندگی جاوید یا جنگ در رکاب حسین

بعد از آنکه امام حسین (ع) در منزل «ذو حُسم خطبه معروف «فأني لا أرى الموت السعاده ولا الحياة مع الظالمين الا برماً» را بیان فرمود، زهیر بپاخاست و روی به یاران کرد و گفت شما سخن می گوید یا من بگویم گفتند: تو سخن آغاز کن و او پس از حمد و ثنای الهی به ابراز احساسات پرداخت و گفت «یابن رسول الله! ما فراز و بلندی که در گفتار شما بود، شنیدیم ای پسر رسول خدا! به خدا سوگند که اگر ما می توانستیم برای همیشه در این دنیا زندگی کنیم و تمام دنیا و امکانات آن را در اختیار داشتیم باز هم شمشیر زدن در رکاب تو را انتخاب می کردیم. امام (ع) در حق او دعا کرد و او را پاسخی نیکو داد.

رعایت حق خدا و پیامبر

و بار دیگر در روز تاسوعا هنگامی که زهیر به همراه حبیب بن مظاهر به نصیحت لشکریان عمر سعد می‌پردازد عزرة بن قیس به او می‌گوید: ای زهیر! تو از شیعیان این خاندان نبوده بلکه عثمانی هستی ولی زهیر در پاسخ او کلماتی بر زبان جاری کرد که نشان از اطلاع او از مقام حسین (ع) نزد رسول خدا است او گفت «آیا در اینجا بودم به تو نمی‌گویند که من پیرو این خاندانم! بخدا سوگند که نامه‌ای برای او ننوشتیم و قاصدی را نزد او نفرستادم و وعده یاری هم به او ندادم بلکه او را در بین راه دیدار نمودم و هنگامی که او را دیدم رسول خدا و منزلت امام حسین (ع) نزد او را به یاد آوردم و چون دانستم که دشمن بر او رحم نخواهد کرد، تصمیم به یاری او گرفتم تا جان خود را فدای او کنم باشد که حقوق خدا و پیامبر او را که شما نادیده گرفته‌اید، حفظ کرده باشم.

شفاعت رسول خدا

در شب عاشورا نیز بعد از خطبه امام حسین (ع) یکی از آن یاران که وفاداری خود رانسبت به حسین (ع) بیان داشت زهیر بن قین بود که گفت «بخدا سوگند دوست دارم کشته شوم باز زنده گردم و سپس کشته شوم تا هزار مرتبه تا خدا تو را و اهل بیت تو را از کشته شدن در امان دارد!». و نیز هنگامی که زهیر در روز عاشورا بار دیگر لشکر دشمن را نصیحت می‌کند ارزش شهادت در رکاب حسین (ع) را این چنین بیان می‌کند: «بخدا سوگند در نظر من شهادت با حسین بهتر از زندگی جاودانه با شماست.. به خدا سوگند شفاعت رسول خدا هرگز به گروهی که خون فرزندان و اهل بیت او را بریزند و یاران او را بکشند، نخواهد رسید».

مسلم بن عوسجه

اشاره

او مسلم بن عوسجه بن سعد بن ثعلبه بن دودان بن أسد بن خزیمه است که مردی شریف رازدار، عابد، شب زنده دار و از یاران حسین بن علی (ع) است

اگر هفتاد بار کشته شوم

او در شب عاشورا پس از خطبه امام حسین (ع) برخاست و گفت «بهانه ما در پیشگاه خدا برای تنها گذاردن تو چیست به خدا سوگند این نیزه را در سینه آنها فرو برم و تا دسته این شمشیر در دست من است بر آنها حمله می‌کنم و اگر سلاحی نداشته باشم که با آن بجنگم سنگ برداشته و به طرف آنها پرتاب می‌کنم به خدا سوگند که ما تو را رها نمی‌کنیم تا خدا بداند که حرمت پیامبر را در غیبت او در باره تو محفوظ داشتیم به خدا قسم اگر بدانم که کشته می‌شوم و بعد زنده می‌شوم و سپس مرا می‌سوزانند و دیگر بار زنده می‌گردم و سپس در زیر پای ستوران بدنم درهم کوبیده می‌شود و تا هفتاد بار این کار را در حق من روا بدارند، هرگز از تو جدا نگردم تا در خدمت تو به استقبال مرگ بشتابم و چرا چنین نکنم که کشته شدن یک بار است و پس از آن کرامتی است که پایانی ندارد».

محمد بن بشیر

از تو جدا نمی‌شوم

محمد بن بشیر نیز از یاران حسین (ع) است که در شب عاشورا به او خبر دادند که فرزندت در حدود شهر ری اسیر شده است او در پاسخ گفت «ثواب مصیبت او و خود را از خدای متعال آرزو می‌کنم و دوست ندارم که فرزندم اسیر باشد و من بعد از او زنده بمانم. امام حسین (ع) چون سخن او را شنید، فرمود: خدا تو را بیامرزد، من بیعت خود را از تو برداشتم برو و در رهایی فرزندت از اسارت بکوش محمد بن بشیر گفت «در حالی که زنده هستم طعمه درندگان شوم اگر چنین کنم و از تو جدا شوم امام (ع) فرمود: پس این لباسها را به فرزندت که همراه توست بده تا در نجات برادرش به مصرف برساند.» نوشته‌اند که امام پنج جامه به او داد که هزار دینار ارزش داشت

عبدالله بن عمیر

اشاره

او پدر وهب و مردی شجاع و شریف بوده و در کوفه نزدیک «بئر الجعد» همدان سرایی داشت همسر او ام وهب نیز از شهدای زن در کربلاست

جهاد با اهل شرک

عبدالله بن عمیر روزی در نخيله سپاه کوفه را دید که عازم جنگ با امام حسین (ع) هستند گفت «به خدا سوگند من مشتاق جهاد با اهل شرک هستم و امیدوارم جنگ با این جماعت که با پسر دختر پیامبرشان می‌جنگند کمتر از جهاد با مشرکین از نظر ثواب نباشد». او پس از مشورت با همسرش و جلب موافقت او شبانه حرکت کرد و به خدمت امام رسید و در روز عاشورا ابتدا او و سپس همسرش به شهادت رسیدند.

سیف بن حرث بن سریع بن جابر همدانی جابری و مالک بن عبدالله بن سریع بن جابر همدانی جابری

گریه بر تنهایی حسین

آن دو پسر عمو و برادر مادری بودند و به همراه غلامشان شیب در روز عاشورا هنگامی که حسین (ع) را در آن حال مشاهده کردند، گریه کنان به خدمت امام آمده و به اردوی او ملحق شدند، امام (ع) به آنها فرمود: «ای فرزندان برادرم چرا می‌گریید؟! به خدا سوگند بعد از گذشت ساعتی چشمانتان روشن خواهد شد؛ گفتند: «خدا ما را فدای تو گرداند، برخود نمی‌گیریم بلکه گریه می‌کنیم برای اینکه شما را در محاصره این گروه می‌بینیم و قدرت نداریم تا به چیزی بیش از جانمان از تو حمایت کنیم .

عمرو بن قرظ بن کعب انصاری

اشاره

پدر او از صحابه رسول خدا و از یاران علی (ع) بود او خود از سعادتمندان در رکاب امام حسین (ع) بود ولی برادرش علی از شقاوتمندان در سپاه عمر سعد بود اظهار ارادت او به امام حسین (ع) که حکایت از اطلاع او از جایگاه الهی امام (ع) دارد در قالب رجز او در روز عاشورا بیان شده است

جان و مال فدای حسین

در روز عاشورا از امام اذن گرفت و به میدان رفت در حالی که این رجز را به زبان جاری می‌ساخت قد عَلِمَتْ کَتِیْبَةُ الانصار اُنّی سَاحِمْ حَوْزَةَ الدِّمَارِ ضَرْبَ غَلَامٍ غَیْرِ نَکَسٍ شَارِی دُونَ حَسَنِ مَهْجَتِی وَدَارِی

عابس بن ابی شیب

اشاره

او از قبیله بنی شاکر و از رجال شیعه و از رؤسای آنها و مردی شجاع و خطیبی توانا و عابدی پر تلاش و متهجد بود و از طائفه‌ای است که علی (ع) در روز صفین در حق آنان فرمود: «لَوْ تَمَّتْ عَدَّتُهُمْ أَلْفًا لَعَبَدَ اللَّهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ أَكْثَرَ تَعْدَادِ أَنْفُسِهِمْ بِهَذَا نَفَرٍ مِی‌رْسِیدَ خُدا بِه شایستگی عبادت می‌شد».

وقت آن آمد که من عریان شوم

او در روز عاشورا می‌گفت «امروز روزی است که باید تلاش کنیم برای سعادت خویش با هر چه در توان داریم زیرا بعد از امروز روز حساب است و عمل بکار نیاید؛ آن گاه نزد امام حسین (ع) آمد و گفت یا ابا عبدالله به خدا سوگند روی زمین چه در نزدیک و یا دور کسی عزیزتر و محبوبتر از تو نزد من نیست اگر من چیزی عزیزتر از جانم و خونم داشتم که فدایت کنم و کشته شدن را از تو دفع کنم هر آینه تقدیم می‌کردم سپس گفت السلام علیک یا ابا عبدالله اَشْهَدُ اَنِّی عَلِیُّ هِدَاکَ وَ هَدِیُّ اَبِیکَ سَلامٌ بِرِ تَوَا یِ اَبَا عَبْدِاللهِ گواهی می‌دهم که من در راه هدایت تو و پدیرت مستدام هستم. او کسی است که وقتی به میدان آمد کسی جرئت مبارزه با او را نداشت در نهایت عمر سعد دستور داد او را سنگباران کردند، او وقتی وضعیت را چنین دید، زره از تن به درآورد و کلاه خود را از سر برداشت و بر سپاه کوفه حمله کرد. وقت آن آمد که من عریان شوم جسم بگذارم سراسر جان شوم آزمودم مرگ من در زندگی است چون رهم زین زندگی پایدگی است آنچه غیر از شورش و دیوانگی است اندرین ره روی در بیگانگی است

جون بن ابن مالک

آبرویم از آبروی توست یا حسین

او بنده سیاه چرده ابو ذر غفاری است که نزد امام آمد و برای مبارزه اجازه خواست امام حسین (ع) فرمود: «تو از جانب ما مأذونی و برای عافیت همراه ما آمده‌ای خود را در مشقت مینداز؛ گفت ای فرزند رسول خدا! من در راحتی باشم و شما را در سختی تنها بگذارم! به خدا سوگند هر چند بوی بدن من بد و حَسَب من رفیع نیست ولی امام بزرگواری چون تو بوی مرا خوش و بدنم را مطهر و رنگ روی مرا سفید می‌کند و به بهشت مژده می‌دهد! به خدا سوگند که از شما جدا نگردم تا خون سیاه من با خون شریف شما آمیخته گردد..»

سعید بن عبدالله حنفی

اگر هفتاد بار کشته شوم

او از وجوه شیعه و شجاعان کوفه و یاران و دعوت کنندگان حسین (ع) به کوفه است که در شب عاشورا پیوند ناگسستی خود را با حضرت چنین اعلام کرد: «به خدا قسم تو را و نخواهیم گذاشت تا خداوند بداند در غیبت پیامبر، حق او را در باب تو رعایت

کرده‌ایم به خدا قسم اگر بدانم هفتاد مرتبه در راهت کشته شوم مرا بسوزانند و خاکسترم را به باد دهند، باز تو را رها نخواهم کرد تا آنکه در راه تو بمیرم حال چرا این کار را نکنم که یک شهادت بیشتر نیست و پس از آن کرامتی پایان‌ناپذیر و همیشگی است»

امام حسین در سخنان توبه کنندگان از اصحاب

حر بن یزید ریاحی

حسین مقتدای حر

او از فرماندهان عبیدالله بن زیاد بود که در منزل ذوخُسم یا زباله با هزار سوار در برابر امام قرار گرفت هر چند او در این برخورد فرماندهی از دشمن است ولی در اولین برخورد باحسین (ع) حرمت فرزند زهرا را نگه می‌دارد و با حضور حسین برای خود امامتی قائل نیست برای اقامه نماز ظهر به حسین (ع) می‌گوید: «ما همه به شما اقتدا می‌کنیم».

حرمت زهراء

دیگر بار که حر خود را در برابر حسین (ع) به نمایش گذاشت زمانی بود که حسین (ع) برای اتمام حجت تصمیم بر مراجعت می‌گیرد ولی حر مانع می‌شود، امام حسین (ع) فرمود: «مادرت در سوگت بگیرد! چه می‌خواهی حر در پاسخ حسین (ع) حرمت مادرش زهرا را به شایستگی پاس می‌دارد و می‌گوید: «اگر کسی جز شما در این حال با من چنین سخنی می‌گفت در نمی‌گذشتم ولی به خدا سوگند که نمی‌توانم نام مادر شما را جز به نیکی ببرم».

به درگاه خدا توبه می‌کنم

آری رعایت حرمت زهرا و نور دیده‌اش توفیق را رفیق او ساخت و موفق به توبه شد، خوارزمی می‌گوید: چون امام در صبح عاشورا فریاد برآورد: «أما من مغیث یغیثنا لوجه الله تعالی اما من ذاب یذب عن حرم رسول الله؟» آیا دادرسی نیست که برای رضای خدا به فریاد ما برسد و به ما کمک کند؟ آیا دفاع کننده‌ای نیست که از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند. حر بن یزید استغاثه امام را شنید، قلبش مضطرب و اشک از چشمانش جاری شد... بر اسب خود نهیب زد و به امام حسین (ع) پیوست و به آن حضرت عرض کرد: «ای پسر رسول خدا جان من به فدای تو باد، من کسی بودم که راه برگشت را بر تو بستم و بر تو سخت گرفته و در این مکان فرود آوردم و گمان نمی‌کردم که این گروه با تو چنین رفتار نمایند و سخن تو را نپذیرند، و به خدایی که جز او معبودی نیست سوگند اگر می‌دانستم که این گروه با تو چنین خواهند کرد، هرگز دست به چنین کاری نمی‌زدم و من از آنچه انجام داده‌ام توبه کنان نزد تو آمدم تا جان خود را فدای شما کنم و در مقابل شما کشته شوم آیا به نظر شما این کار من توبه است...».

حسین را تنها گذاشتید

حر بعد از آنکه از پذیرش توبه خود نزد حسین (ع) اطمینان یافت اذن میدان گرفت و به میدان رفت و علاوه بر آنکه عملاً به مبارزه با دشمنان حسین (ع) برخاسته بود، با زبان خود نیز به معرفی و دفاع از حسین (ع) پرداخت و گفت «ای اهل کوفه مادرتان در سوگتان بگریید، این بنده صالح خدا را خواندید و گفتید: در راه تو جان خواهیم باخت ولی اینک شمشیرهای خود را بر روی او کشیده و او را از هر طرف احاطه کرده‌اید و نمی‌گذارید که در این زمین پهناور به هر کجا که می‌خواهد، برود، و مانند اسیر در دست شما گرفتار شده است او و زنان و دختران او را از نوشیدن آب فرات منع کردید در حالی که قوم یهود و نصاری از آن

می‌نوشتند و حتی بهائم در آن می‌غلطند، و اینان از عطش به جان آمده‌اند! شما پاس حرمت پیامبر را درباره عترت او نگاه نداشتید، خدا در روز تشنگی شما را سیراب نگرداند...».

حر میزبان حسین است

و در نهایت آن گاه که جنگ دلیرمردانه خود را آغاز می‌کند در رجز مبارزه خود حسین (ع) را از بهترین انسانها می‌شمرد و خود را میزبان او می‌داند می‌گوید: اَنَا الْحَرِّ وَمَوْوِی الضَّیْفِ أَضْرَبُ فِی أَعْنَاقِكُمْ بِالسَّیْفِ عَنْ خَیْرٍ مِنْ حَلِّ بَوَادِی الْخِیْفِ أَضْرِبُكُمْ وَلَا أُرِی مِنْ حَیْفٍ

ابوالشعنا کندی

من یاور حسینم

او یزید بن زیاد بن مهاجر کندی است که با عمر سعد به کربلا آمد و چون کار به مقاتله انجامید و سخنان امام را رد کردند، به جانب حسین آمد و هنگام نبرد این رجز را می‌خواند. اَنَا یزید وأبی مهاجر أشجع من لیث نبیل خادریارب انی للحسین ناصر ولا بن سعد تارک وهاجر

امام حسین در سخنان یارانی که به شهادت رسیدند

طرمح بن عدی

اشاره

او از اصحاب با وفای علی (ع) است که به همراه جمعی به محضر حسین (ع) رسیدند و گزارش‌هایی از کوفه از جمله خبر شهادت قیس بن مسهر را به اطلاع حسین (ع) رساند و راهنمایی کاروان حسین (ع) را بر عهده گرفت

خاندان پر افتخار

هر چند او توفیق شهادت در رکاب حسین (ع) را پیدا نکرد ولی در ضمن اشعار اهل بیت و امام حسین (ع) را این چنین می‌ستاید: یا ناقتی لاتزعی من زجری وامضی بنا قبل طلوع الفجر بخیر فتيان وخیر سفر آل رسول الله اهل الفخر السادة البیض الوجوه الغر الطاعنین بالرماح السمر والضاربین بالسَّیْفِ یوف البتر حتّی تحلّی بکریم الفخر الماجد الحرّ الرحیب الصدر اتی به الله لخیر امر عمره الله بقاء الدهر وزاده من طیبات الذکریا مالک النفع معاً والضّرّ اید حسیناً سیدی بالتصر علی الطغاة من بقایا الکفر اعنی اللعینین سَلیلی صخریزید لازال حلیف الخمر وابن زیاد عَهر بن العَهر

یزید بن مسعود

اشاره

او کسی است که به امام (ع) نامه نوشت و آمادگی خود را برای یاری حضرت اعلام کرد و در حال عزیمت برای رسیدن به قافله کربلا بود که خبر شهادت امام را شنید و تا آخرین لحظات عمر خود در ندامت و پشیمانی بود که چرا توفیق شهادت نصیب او نشد.

شما حجت خدا هستید

او در نامه خود به امام (ع) در وصف حضرت این چنین می گوید: «نامه شما به من رسید و به آنچه مرا فراخوانده‌ای آگاه شدم که رستگاری خود را دریاری تو می‌بینم و طاعت حق را در اطاعت از تو، به درستی که خدا هرگز زمین را از رهبری که مردم را به راه خیر بخواند و راهنمایی که راه نجات را به مردم نشان دهد، خالی نمی‌گذارد، شما حجت خدا بر خلقید و امانت او در روی زمین هستید و شما بمنزله شاخه‌های سرسبز درخت رسالتید، قدم بر چشم ما بگذار و با ما باش که قبیله بنی تمیم در اطاعت از تو و اجرای فرامین تو آماده است و سر تسلیم به درگاه تو می‌ساید».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب —————: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۰۲۳۵۷۰۲۲-(۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲-(۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۲۳۳۳۰۴۵-(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹